

Reflection of Russia's Military and Diplomatic Actions in Iran from the Perspective of the Jangal Newspaper (1917-1921)

*Ali-Asghar Rajabi*¹

*Alireza Akbari*²

Russo-Persian relations, especially during the Qajar period, constitute one of the most important chapters in Iran's contemporary history. The press of that era, as the primary mass medium, played a key role in political and social transformations. Among these, the "Jangal" (Forest) newspaper, published in Gilan and serving as the official organ of the Jangal Movement, is an important source for understanding the movement's viewpoints. This research, through a descriptive-analytical method and a content analysis of the "Jangal" newspaper, addresses the reflection of Russia's military and diplomatic actions in Iran. The findings show that while the newspaper criticized the political situation in Iran, it also paid special attention to the policies of foreign countries towards Iran. "Jangal's" approach to Russia was twofold: on one hand, it strongly criticized the actions of Tsarist Russia for violating neutrality and harming Iran, and on the other hand, it held a positive view of Bolshevik Russia, portraying it as a power that supported the freedom of the Iranian people and opposed colonialism.

▪ **Keywords:**

Iran, Russia, Military Actions, Diplomatic Actions, Jangal Newspaper, 1917-1921.

¹. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author). aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

². M.A. Student in the History of the Islamic Revolution, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. alirezaakbari80khu@gmail.com



بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران از منظر روزنامه جنگل

(طی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۹۶ش.)

علی‌اصغر رجبی^۱

علیرضا اکبری^۲

چکیده

تاریخ روابط خارجی ایران و روسیه برگی مهم در تاریخ معاصر ایران است. این روابط از دوره صفویه آغاز شد و در دوره قاجاریه به اوج خود رسید و تحت تأثیر چند عامل کلیدی سیاسی، ایدئولوژیک و استعماری قرار گرفت. مطبوعات در تاریخ معاصر ایران، ایفاگر نقشی مؤثر در تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی بودند و همچنین به‌عنوان یکی از تنهاترین رسانه آن دوره محسوب می‌شدند. در گیلان روزنامه رواج داشت و روزنامه جنگل، روزنامه‌ای منتشره در گیلان بود که تریبون رسمی نهضت جنگل به شمار می‌آمد و از منابع اصلی شناخت افکار رهبران جنبش جنگل و هیئت اتحاد اسلام بود. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بررسی محتوای روزنامه جنگل در پی آن است که با معرفی و بررسی این روزنامه به بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که روزنامه جنگل در شماره‌های مختلف خود به اوضاع سیاسی ایران و نقد آن می‌پرداخت و یکی از موضوعاتی که این روزنامه دنبال می‌کرد، سیاست کشورهای خارجی در ایران است. روسیه همواره در تاریخ معاصر ایران تأثیرگذار بود و این روزنامه رویکردی دوگانه به روسیه دارد؛ رویکرد اول انتقاد از رفتار روسیه تزاری به خاطر نقض بی‌طرفی ایران و صدمات وارده به ایران است و رویکرد دوم نگاهی مثبت به روسیه بلشویکی است که دیگر سیاست‌های استعماری خود را دنبال نمی‌کند و به دنبال آزادی مردم ایران است.

واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، اقدامات نظامی، اقدامات دیپلماتیک، روزنامه جنگل، سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۹۶ش.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران-ایران (نویسنده مسئول)

aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران-ایران

alirezaakbari80khu@gmail.com



مقدمه

ایران و روسیه دو کشوری هستند که روابط مختلفی در طول تاریخ با یکدیگر داشتند. شاید اولین ارتباط جدی بین ایران و روسیه به دوره سلطان محمد خدابنده پادشاه صفویه برگردد. پس از سقوط سلسله صفویه راه برای روس‌ها باز شد و آنها سیاست‌های تجاوزکارانه‌ای نسبت به مرزهای ایران داشتند (هوشنگ‌مهدوی، ۱۴۰۲: ۱۴۹؛ روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۲، ص ۲) و این سیاست در دوره قاجار به اوج خود رسید. جنگ‌های ایران و روس و بستن عهدنامه‌های مختلف، اولتیماتوم‌های روس، اشغال نواحی مختلف ایران، تقسیم ایران با همکاری بریتانیا، بخشی از سیاست‌های روسیه در ایران بود. روابط روسیه و ایران یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین فصل‌های تاریخ معاصر ایران است که از اواخر دوره قاجار به اوج خود رسید. این روابط تحت تأثیر چند عامل کلیدی سیاسی، ایدئولوژیک و استعماری قرار داشت.

مطبوعات در تاریخ معاصر ایران، ایفاءگر نقشی مؤثر در تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی بودند. باید خاطر نشان کرد که ثمره تلاش و پیگیری‌های میرزا صالح شیرازی برای ترویج اخبار و اندیشه‌های جدید، انتشار نخستین روزنامه فارسی به نام "کاغذ اخبار" بود که در تاریخ ۲۵ محرم ۱۲۵۳/۱ می ۱۸۳۷ به چاپ رسید (شیرازی، ۱۳۴۷: ۱۹؛ آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۶۹؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲/۱) و به مرور زمان و پیشرفت علم و نیز اقدامات امیرکبیر و دیگر روشنفکران، انتشار روزنامه رونق یافت.

نخستین گام روزنامه‌نویسی در گیلان به تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۱۲ مرداد ۱۲۸۶ با انتشار روزنامه "خیرالکلام" آغاز شد و گام استوار شیخ ابوالقاسم افسح‌المتکلمین پختگی کامل گیلانیان را در این امر به اثبات رسانید (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۶۰/۲؛ نوزاد، ۱۳۷۹: ۹؛ عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۹۰؛ رابینو، ۱۳۷۳: ۳۱). روزنامه جنگل یکی از روزنامه‌های منتشره در گیلان بود که اولین شماره آن در ۱۹ شعبان ۱۳۳۵/۲۰ خرداد ۱۲۹۶ به مدیریت غلامحسین کسمائی در کسما به چاپ رسید (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱). این روزنامه از نظر موضوع و محتوا به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان، مبارزه با سیاست روسیه و انگلستان، نقد دولت، مسئله نظام ارضی و زمینداری پرداخته است. علاوه بر نکات مورد اشاره، در مقاله‌های روزنامه جنگل بیشتر به موضوعات بنیادین سیاست، فلسفه اخلاق، نقد خلیقات ایرانی و تاریخ، لزوم تشکیل دولت دموکراتیک، مستقل و ملی با استناد به فلسفه تاریخ، اخلاق و حتی ملّت‌ها تأکید کرده و بی‌سوادگی، غفلت، سستی و اختلاف داخلی میان ایرانیان را موانع پیشرفت کشور خوانده است (فخرائی، ۱۳۵۷: ۵۲-۵۱) و همچنین این روزنامه عقاید نهضت جنگل را منتشر می‌کرد (کسمایی، ۱۳۸۳: ۵۳). هر چند

نشریه جنگل در ولایاتی نسبتاً دور از تهران منتشر می‌شد، اما اطلاعات بالنسبه جامعی از سیاست جهان داشت (شاکری، ۱۴۰۲: ۹۹).

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که فعالیت‌های نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران طبق روزنامه جنگل به چه صورت بوده است؟ در این پژوهش با تحلیل متن روزنامه جنگل به بررسی حضور نظامی و سیاست‌های روسیه در ایران پرداخته‌ایم. اخبار روسیه در روزنامه جنگل حول محور جنگ جهانی اول است و بخش سیاست‌های روسیه تزاری و بلشویکی در مندرجات روزنامه عملکردی دو سویه دارد؛ در برخی از شماره‌ها روسیه کشوری است که با حضور نظامی خود موجب رنجش مردم ایران است و در برخی از شماره‌ها، روسیه را آلت‌دست انگلستان معرفی می‌کند، زیرا همسو با سیاست‌های انگلیس به فعالیت در ایران می‌پردازد. با این حال، در پی وقوع انقلاب روسیه و سقوط تزارها، تغییر نگرش روزنامه جنگل نسبت به روسیه مشاهده می‌شود که این روزنامه به دنبال بهبود روابط ایران با روسیه است.

پیشینه پژوهش

در رابطه با عنوان پژوهش باید گفت که تاکنون مقاله‌ای با این موضوع منتشر نشده است، اما کتاب‌هایی مانند "مجموعه‌ی روزنامه جنگل" از امیر نعمتی لیمائی به حروف‌نگاری و مقدمه‌نویسی این روزنامه پرداخته است و "روزنامه جنگل" از هادی میرزائزاد موحد به جمع‌آوری و افزودن توضیحات و حروف‌نگاری این روزنامه پرداخته‌اند. از مقالات نوشته‌شده در باره روزنامه جنگل می‌توان به مقاله "بازتاب مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل" از جواد نظری‌مقدم و مسلم نادعلی‌زاده اشاره کرد که به بررسی اشعار روزنامه جنگل پرداخته و با بررسی این روزنامه به جنبه‌های مقاومت، استقلال، آزادی‌خواهی و بیگانه‌ستیزی در این روزنامه رسیده است. مقاله‌ای دیگر تحت عنوان: "استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل و ارگان جنبش میرزا کوچک خان" از علی کریم‌حدیثی است که به سیر تاریخی حرکت میرزا کوچک خان پرداخته و با نگاه به منابع و روزنامه جنگل به این نتیجه رسیده که حرکت میرزا کوچک خان یک همبستگی در ایران به‌شمار می‌رود که ذیل دو مؤلفه اصلی این مقاله یعنی استقلال و هویت ملی است. مقاله‌ای دیگر تحت عنوان: "رویکرد و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل" از عبدالله متولی که به اوضاع سیاسی ایران از مشروطه تا ظهور نهضت جنگل اشاره کرده و به محتویات روزنامه جنگل به عنوان اشاعه تفکرات جنگلی‌ها پرداخته است. از دیگر پژوهشگرانی که به بررسی روزنامه جنگل پرداخته‌اند، می‌توان به قربانعلی کناررودی اشاره کرد که مقاله‌ای تحت عنوان: "روزنامه

جنگل و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه جنگل در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ش. "را نوشته است. ایشان با تحلیل محتوای روزنامه جنگل معتقد است که این روزنامه سخنگوی نهضت جنگل است و مؤلفه‌های اصلی این روزنامه را می‌توان از جمله در عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی و بیگانگی‌ستیزی جستجو کرد. با نگاه به پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان گفت که هیچکدام از پژوهشگران به مطالعه موردی موضوع روزنامه جنگل و بازتاب کشورهای خارجی نپرداخته‌اند و تلاش نویسندگان در این مقاله بر آن است که اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه در ایران را از منظر روزنامه جنگل طی سال‌های ۱۲۹۹-۱۲۹۶ ش. بازتاب داده و بررسی نمایند

روزنامه جنگل

هر جنبش، قیام، نهضت و انقلاب برای نشر افکار خود نیاز به ارگان خبری و فکری دارد تا بتواند افکار، اندیشه‌ها و برنامه‌های خود را برای مخاطبان خود اعم از موافق یا مخالف بیان دارد. روزنامه جنگل تربیون رسمی نهضت جنگل بوده (کسمایی، ۱۳۸۳: ۵۳) و از منابع اصلی شناخت افکار سردمداران جنبش جنگل و هیئت اتحاد اسلام به‌شمار می‌رفت (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۵، ص ۱). اولین شماره روزنامه جنگل در ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ / ۲۰ خرداد ۱۲۹۶ به مدیریت غلامحسین کسمائی در کسما به چاپ رسید (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱؛ عظیمی‌دوبخشی، ۱۳۹۹: ۸۰) و آخرین شماره آن در ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ / ۴ مرداد ۱۲۹۹ به مدیریت اسماعیل دهقان در رشت منتشر شد (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۵، ص ۱؛ قاسمی، ۱۳۷۲: ۱۲۰).

روزنامه جنگل در سه دوره منتشر شد که دوره نخست آن در ۳۱ شماره از ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ / ۲۰ خرداد ۱۲۹۶ تا ۱۷ شعبان ۱۳۳۶ / ۶ خرداد ۱۲۹۷ به چاپ رسید (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۳۱، ص ۱؛ سهیل‌نقشی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). دوره دوم روزنامه در ۴ شماره از ۲۷ شوال ۱۳۳۶ / ۱۲ مرداد ۱۲۹۷ تا ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ / ۱۶ دی ۱۲۹۷ به چاپ رسید (فخرائی، ۱۳۵۷: ۱۴۸؛ میرزانی‌زاد موحد، ۱۳۹۶: ۱۳-۲۵) دوره سوم نیز در ۵ شماره از ۱۴ شوال ۱۳۳۸ / ۱۰ تیر ۱۲۹۹ تا ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ / ۴ مرداد ۱۲۹۹ به چاپ رسید (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۱ و ش ۵، ص ۱). این روزنامه از لحاظ فکری و ساختاری به دو دوره تقسیم می‌شود: در دو سال اول که شماره بیشتری به چاپ رسیده، یعنی از تاریخ ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ تا ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷، «فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱). اما از تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۳۸ تا ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ این روزنامه "ناشر افکار کمیته انقلاب سرخ و ارگان حکومت

جمهوری شوروی ایران است" (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱؛ س ۲، ش ۴، ص ۱؛ س ۴، ش ۱، ص ۱؛ س ۴، ش ۵، ص ۱).

قطع نشریه جنگل ۳۵ × ۲۲ سانتیمتر و صفحه نخست به رنگ قرمز و مشکی بود. در باره تیراژ در هیچکدام از شماره‌های روزنامه سخن گفته نشده و این روزنامه در کسما چاپ می‌شد، اما در آخرین نسخه‌ها محل انتشار رشت نوشته شده است (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۱؛ کسمایی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). کسمایی می‌گوید: «روزنامه جنگل نخست چاپ ژلاتینی داشت و اواخر صاحب چاپ سنگی شد» (کسمایی، ۱۳۸۳: ۹۵) و در باره دلیل چاپ روزنامه می‌نویسد: «... با قلمی شکسته و افکار خسته، با زبانی الکن می‌خواهیم اظهارات خود را از نظر افراد ملت بگذرانیم؛ شاید بدین‌وسيله افکار عمومی را متوجه ساخته، با ما هم ناله شوند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱). در باره زمان چاپ، روزنامه در شماره اول چنین آورده شده است که «در ایام هفته به‌قدر امکان طبع و نشر می‌گردد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۱)، اما در شماره دوم نوشته شده: «روزنامه جنگل تقریباً به پنج فرسنگ از رشت، با تحمل زحمات شاقه، هفته‌ای دو بار طبع می‌شود» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ص ۸). با این حال، گردانندگان روزنامه از پس چاپ برنیامدند و عذر تقصیر آوردند و چنین نوشتند که: «مجبوریم از قارئین محترم خود عذر بخواهیم. ما در شماره‌ی دو به قارئین گرام وعده دادیم که هفته‌ای دو نمره خواهیم انتشار داد. به واسطه‌ی موانعی که در میانست، خاصه موانع مطبوعه تا یک مدت قلیلی به ایفای وعده‌ی خود موفق نتوانیم شد. عجلتاً به همان هفته‌ای یک نمره قناعت می‌کنیم و عن‌قریب در بعضی از شمارات یک صفحه کاریکاتور هم ضمیمه می‌شود» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۳، ص ۸) با نگاه به تاریخ چاپ روزنامه مشاهده می‌شود که این روزنامه به صورت منظم چاپ نشده است.

روزنامه جنگل از نظر موضوع و محتوا به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان، مبارزه با سیاست روسیه و انگلستان، نقد دولت، مسئله نظام ارضی و زمینداری پرداخته است. علاوه بر نکات مورد اشاره، در مقاله‌های روزنامه بیشتر به موضوعات بنیادین سیاست، فلسفه اخلاق، نقد خلیات ایرانی و تاریخ، لزوم تشکیل دولت دموکراتیک، مستقل و ملی با استناد به فلسفه تاریخ، اخلاق و حتی ملت‌ها تأکید کرده و بی‌سواد، غفلت، سستی و اختلاف داخلی میان ایرانیان را موانع پیشرفت کشور خوانده است (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۳، ص ۳-۲؛ فخرائی، ۱۳۵۷: ۵۲-۵۱؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۷۲/۲)، همچنین این روزنامه عقاید نهضت جنگل را منتشر می‌کرد (کسمایی، ۱۳۸۳: ۵۳). هر چند نشریه جنگل در ولایاتی نسبتاً دوردست منتشر می‌شد، اما اطلاعات بالنسبه جامعی از سیاست جهان داشت (شاکری، ۱۴۰۲: ۹۹). در کتاب *ایران بین دو*

انقلاب از آبراهامیان، این روزنامه بیشتر تحت نفوذ جناح زمیندار- مذهبی بود تا جناح غیرمذهبی- رادیکال که خواهان کمک مالی به کشاورزان خرده‌پا، خودمختاری اداره گیلان، حمایت از اسلام، لغو همه قراردادهای نابرابر و تخلیه ایران از نیروهای انگلیسی بود (آبراهامیان، ۱۴۰۱: ۱۴۱).

هیئت تحریریه و اعضای اصلی روزنامه جنگل

در باره اینکه راهاندازی نشریه جنگل، ایده کدامیک از اعضای جنبش بود، اطلاعی در دست نیست. با توجه به محتویات شماره‌های منتشره می‌توان گفت که شخص میرزا کوچک خان در انتشار این نشریه نقش چندانی نداشت (میرزانژاد موحد، ۱۳۹۶: ۲۷)، اما همواره پیگیر امور آن بود و چنانکه در خاطرات ابوالقاسم کسمایی آمده است، در زمان کناره‌گیری میرزا حسین خان کسمایی از مدیریت روزنامه، شخص میرزا کوچک خان در پی جایگزینی برای او و یافتن همکاری برای میرزا محمدی انشایی بود (کسمایی، ۱۳۸۵: ۲۲۸). عوامل اصلی روزنامه را می‌توان بدین‌گونه برشمرد: غلامحسین نویدی کسمایی، علی حبیبی، میرزا حسین خان کسمایی، میرزا محمدی انشایی و اسماعیل دهقان (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۴۱).

غلامحسین نویدی کسمایی برادرزاده حاج احمد کسمایی و از چهره‌هایی بود که در آغاز شکل‌گیری جنبش جنگل با میرزا کوچک خان و حاج احمد کسمایی همراه کارهای جنگل شد (کسمایی، ۱۳۸۳: ۱۷۲). نویدی کسمایی را می‌توان مؤسس و اولین سردبیر روزنامه جنگل دانست (میرزا نژاد موحد، ۱۳۹۶: ۲۹) و همچنین می‌توان او را مدیر مسلم روزنامه جنگل از آغاز تا پایان شناخت (نوزاد، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

علی حبیبی معروف به علی آقا ناظم فرزند حاجی حبیب اصفهانی از چهره‌های شناخته‌شده در عرضه فرهنگ و سوادآموزی در گیلان بود و مدرسه اتفاق را در رشت تأسیس کرد (فخرایی، ۱۳۷۱: ۵۳-۵۲-۵۱). او در نهضت جنگل، ریاست انتظامات را برعهده داشت و مدتی هم ریاست دارایی فومن را عهده‌دار شده (کوچکپور، ۱۳۶۹: ۵۴) و برای مدتی به همراه میرزا محسن نجم‌آبادی اداره امور مباشرت جنگل را برعهده داشت (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۹۸). حبیبی که خوش‌خط و باسواد بود، کاتب روزنامه و از بنیان‌گذاران روزنامه جنگل بود (فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۴۱). وی در آذر ماه سال ۱۳۳۴ بر اثر سکتة مغزی درگذشت (فخرایی، ۱۳۷۱: ۵۳).

میرزا حسین خان کسمایی فرزند محمدابراهیم ارباب کسمائی در دوم شعبان ۱۲۸۸ق. در شهر رشت متولد شد. نیاکان او از گرجی‌های ساکن ناحیه قفقاز بودند که در تحولات جنگ‌های ایران و روس به آذربایجان و سپس به سایر نقاط ایران از جمله رشت مهاجرت کردند. وی در رشت

تحصیلات ابتدایی را فراگرفت و در همان دوران نزد مسیو ژان^۱ فرانسوی به آموختن زبان فرانسه پرداخت، سپس عازم عتبات شد و طی دو سال اقامت در نجف به تکمیل تحصیلات اسلامی مشغول گردید تا اینکه به علت فوت ناگهانی فرزندش به گیلان بازگشت و در مسجد صالح آباد رشت به امام جماعت انتخاب شد. پیش از به توپ بستن مجلس به همراه میرزا کوچک خان به آزادی خواهان تهران پیوست، اما بعد از مدتی به فرانسه رفت. وی با آغاز جنبش جنگل از طریق روسیه و تفلیس وارد رشت شد و به یاری مجاهدان شتافت (جکتاجی، ۱۳۷۱: ۳۵۶-۳۵۵). کسمائی اداره روزنامه جنگل را از شماره سوم آن برعهده گرفت و با پدید آمدن دودستگی در نهضت از همکاری با جنگلی‌ها دست کشید. سرانجام در سال ۱۲۹۹ ش. بر اثر عوارض بیماری کلیوی درگذشت و در سلیمان داراب رشت به خاک سپرده شد (یوسفدهی، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۰۲).

میرزا محمدی انشایی متولد سال ۱۲۹۲ ق. / ۱۲۵۳ ش. در رشت بود. او در همان شهر تحصیلات ابتدایی خود را تکمیل کرد، سپس به فراگیری علوم دینی پرداخت و کسوت روحانیت پوشید. در دوران نوجوانی به جمع مشروطه‌طلبان پیوست و در رشت به اتفاق میرزا کوچک خان، انجمن روحانیون را تأسیس کرد. وی در انقلاب رشت و پس از آن در سپاه مشروطه گیلان حضور داشت، اما پس از فتح تهران به گیلان بازگشت (یوسفدهی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). پس از استیلای روس بر گیلان به همراه عده دیگر محکوم به تبعیدی پنج ساله شد و پس از پاگرفتن نهضت جنگل به گیلان برگشت و در سلک یاران نزدیک میرزا در آمد (میرزانژاد موحد، ۱۳۹۶: ۳۱). انشایی از گردانندگان اصلی این روزنامه بود (نوزاد، ۱۳۷۹: ۹۹) و با این حال، اسم او در شناسنامه هیچیک از شماره‌های نشریه نیامده است. اما ابوالقاسم کسمایی او را مدیر روزنامه جنگل می‌داند و همچنین در باره وی می‌نویسد: «انشائی هم مریض بود. بستری داشت که همیشه در بستر دراز می‌کشید» (کسمایی، ۱۳۸۵: ۲۲۹-۲۲۸). انشائی پس از پایان ماجرای جنگل، در سال ۱۳۰۴ ش. امتیاز روزنامه‌ای به نام حقایق را دریافت کرد و چهار شماره از آن را منتشر نمود؛ اما با قدرت گرفتن رضا خان از ادامه انتشار آن بازماند. او در آذر ۱۳۰۴ از سوی مردم فومن به نمایندگی مجلس مؤسسان اول برگزیده شد و سرانجام با نظرات تندی که ابراز کرد، مجبور به گوشه‌نشینی شد (یوسفدهی ۱۳۹۲: ۵۱؛ میرزانژاد موحد، ۱۳۹۶: ۳۱). وی در ۱۷ اسفند ۱۳۲۰ و در سن ۶۷ سالگی درگذشت و پیکرش در آرامگاه سلیمان داراب در کنار میرزا کوچک خان به خاک سپرده شد (یوسفدهی، ۱۳۹۲: ۵۲).

اسماعیل دهقان در ماه رجب سال ۱۳۰۴ / فروردین ۱۲۶۶ در رشت به دنیا آمد و پدر او حاج میرزا ابراهیم از مالکین سلیم‌النفس و خیر بود. دهقان تحصیلات ابتدایی خود را در رشت گذراند و

^۱. Monsieur Jean

به مانند میرزا کوچک خان و میرزا محمدی انشایی از دانش‌آموختگان مدرسه طلاب حاج حسن بود که ریاست آن را سید عبدالرحیم خلخالی برعهده داشت. وی در نوجوانی به همراه پدر عازم عتبات شد و پنج سال در بغداد اقامت کرد. و طی این مدت زبان انگلیسی را به‌خوبی فراگرفت. پس از کشته شدن اتابک و قزاق‌های محمدعلی شاه به ایران آمد و با آزادی‌خواهان همکاری کرد و به نهضت جنگل پیوست. از همکاران نزدیک میرزا کوچک خان بوده و در روزنامه جنگل اشعار و مقالات باشوری انشاء و منتشر کرده است. (دهقان، [بی‌تا]: دیباچه) احمد کسمایی او را از نخستین افرادی می‌داند که با نهضت جنگل هم‌قسم شده، اما در آغاز نهضت حاضر به شرکت در حرکت مسلحانه نشد (کسمایی، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۰). در کتاب *نام‌ها و نام‌داهای گیلان* در باره او چنین نوشته شده است: «هنگامی که بین مجاهدان جنگل و قوای سرخ تصادمات خونین پیش آمد، دهقان به نفع جنگل داوطلب شرکت در پیکار شد و در پیکارهای شهری که بیش از هفده روز طول کشید و هر روزه قسمتی از کوی‌های شهر دست‌به‌دست می‌شد، شرکت کرد و پس از پایان هر دوره درگیری، اسلحه را به اسلحه‌خانه جنگل تحویل می‌داد. او گاهی با اشعار میهنی و سروده‌های خویش مردم را به خدمت و جانبازی تشویق می‌کرد» (سرتیپ‌پور، ۱۳۷۰: ۴۳). نام دهقان در سال چهارم انتشار روزنامه جنگل به تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۳۸ / ۱۰ تیر ۱۲۹۹ به عنوان مدیر روزنامه دیده می‌شود (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۱). او در هشتم تیر ماه ۱۳۲۵ در تهران درگذشت و در محوطه امامزاده قاسم تجریش به خاک سپرده شد (میرزائزاد موحد، ۱۳۹۶: ۳۳).

بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه تزاری در ایران

با توجه به زمان چاپ اولین شماره روزنامه جنگل که در ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷؛ چند ماه پس از انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه است، اطلاعات این روزنامه در باره روسیه تزاری کم است. اما با تکیه بر همین اطلاعات آشکار است که رویکرد این روزنامه نسبت به روسیه تزاری مثبت نیست. در شماره‌ای از این روزنامه آمده است که: «بدیهی است که هیچ قومی در عالم مانند ملت ستم‌کش ایران به آزادی ملت روسیه که در زنجیر اسارت حکومت مستبد به بدترین روزگاری دچار بودند، علاقمند نبوده و نیست [...] امیدواری‌ها کامل، دست طبیعت برای انتقام از آستین مردانه جوان مردان روسیه بیرون، با یک انقلاب پر از شرف تسار را از تخت سرنگون، تختش واژگون، ستمدیدگان روسیه استنشاق بوی فرح‌بخش حریت کردند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۳) و در جایی دیگر می‌نویسد: «خدای قادر که هیچ‌گاه بندگان خود را از نظر رأفت دور نداشته و راضی نخواهد شد که ودایع

خویش را تا ابد اسیر چنگال قهر ستمکاران نماید، دست قهرمانان عدالت خواه روسیه را از آستین انتقام بیرون آورده، عقیده سوسیالیستی و رفع ظلم دشمنان بشری را توسعه و بسط دادند» (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۲). با توجه به رویکرد روزنامه به روسیه تزاری، این روزنامه نگاه مثبتی به اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه تزاری در ایران ندارد.

در شماره چهاردهم راجع به قیام جنگلی‌ها دولت روس را یک "دولت مستبده" می‌داند که به تحریک انگلیس، متعاقب اولتیماتوم ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱ م. گیلان را مانند آذربایجان و دیگر نقاط اشغال نظامی کرده و با بی‌رحمی و غارتگری و جنایات بسیار اهالی گیلان را مانند دیگر ولایات در تنگنا قرار داده است (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۴، ص ۳-۴).

از موضوعاتی که روزنامه جنگل به آن پرداخته، نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول است و روسیه یکی از کشورهایی بود که بی‌طرفی ایران را نقض کرد. این روزنامه در واکنش به نقض بی‌طرفی ایران می‌نویسد: «از آغاز جنگ بین‌المللی، ایران رسماً بی‌طرفی خود را اعلام و مطمئن بود که دُول همسایه نقض بی‌طرفی او را نخواهند نمود. همسایگان جنوب و شمال به اسم جلوگیری از پروپاگاندای آلمان بنای مداخله علنی و حبس قنسولات خودشان به امور داخلی ما مداخله کرده، بیش از سایر دُول مورث اختلال مملکت بودند [...] ایرانیان را به علاوه هزاران بدبختی دچار قتل و غارت بهت‌آوری نمایند که ترمیم آن‌ها از دایره قدرت فعلی همه ما خارج باشد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۴). همچنین این روزنامه بر حضور نظامی روسیه نقد دارد و می‌نویسد: «فرونت ایران از کدام نقطه سوق‌الجیشی برای دولت روس مثمر‌تر است که با آن همه امتحانات نوزده ماهه هنوز از این پلتیک بی‌صرفه دست نکشیده؟ اگر مقصود محاربه با عثمانی است، سرحدات قفقاز و ارمنیه از هر جهت برای سوق قشون مناسب‌تر و بهتر است [...] دولت و ملت آزاد روس عدم صرفه فرونت ایران را حس کرده، دانستند که تخلیه ایران از اشغالش بیشتر مقرون به صرفه است [...] دولتین روس و انگلیس می‌گویند ما نمی‌رویم وقتی که عثمانی بوده و عثمانی می‌گوید ما در ایران نیامدیم مگر برای بیرون کردن آنان؛ روس و انگلیس هر وقت رفتند ما هم می‌رویم» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۵-۶). در شماره پانزدهم روزنامه تحت عنوان "ما چه می‌گوییم؟ روس‌کوواسلو^۱ چه می‌گوید؟" به نقد اقدامات روسیه از جمله نقض بی‌طرفی ایران توسط روسیه می‌پردازد (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۵، ص ۲). بر پایه متن روزنامه جنگل می‌توان گفت که این روزنامه به عملکرد دولت روس در نقض بی‌طرفی ایران نقد دارد.

۱. نشریه‌ای روسی زبان Roskawaslo.

این روزنامه همچنین بازتابی از حضور قشون روس در ایران دارد. اخبار حضور روس‌ها در روزنامه بدین شرح است: «روز سه‌شنبه از کرمانشاه خبر می‌دهند که روس‌ها ۱۸ نفر از اهالی را به دار زده، معدوم می‌نمایند... اخیراً اخبار اسفانگیزتری از معامله نظامیان روس نسبت به ایرانی‌ها شنیده می‌شود که در صورت صحت باید قضیه ظلم و فشار را در نصف‌النهار شدت دانست. شنیده می‌شود که قشون روس از آن طرف کرمانشاه عقب نشسته و در موقع ورود به کرمانشاه دست تطاول گشوده‌اند. همچنین، در خصوص مال‌گیری و خواستن آذوقه تعدیات فاحش از ایشان نسبت به رعایای بیچاره ایران مشاهده می‌شود [...]» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱، ص ۷) و در ادامه می‌نویسد: «روس‌ها از آذربایجان به خاک ایران حمله نمودند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ص ۳) و به فجایع ارومیه، قزوین، همدان و کرمانشاه اشاره می‌کند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۵، ص ۴).

در شماره‌ای دیگر با عنوان "صدمات وارده به خود" می‌نویسد: «دو دولت همسایه دولت ایران را مجبور کردند در سال ۱۳۱۸ قرضه از آن دو دولت دفعه بعد آخری بنماید، نیز مصرف کردن ایران در مدت ۲۴ سال گذشته از تأسیس و ترمیم هر راه شوسه و آهن، هیئت نظامی مشاقان و معلمین اطریشی که قریب سی سال قبل برای اصلاحشان به ایران جلب کرده بود، عاطل و باطل بماند و مالیه ایران را که از آن وقت به بعد به کلی مختل کرده بودند، هیچ‌وقت تصفیه نکند. سلب حق کشتی‌رانی ایران کلیتاً از دریای خزر، حق تغییر تعرفه گمرکی تجارت و فواید اقتصادی و امتیازات و معادن را مخصوص به خود کردند، حق امتیاز تعرفه گمرکی را از ایران گرفتند. بعد از این همه بدبختی‌ها، دو دولت همجوار متحداً در سال ۱۳۲۸ ایران را از دادن هر امتیازی به خارجه بدون صلاحدید آنها منع کردند. حق استخدام مستخدمین از ملل خارجه برای اصلاحات را در سال ۱۳۲۹ از دولت ایران سلب نموده که بدون تصدیق آنها نتواند کسی را از خارجه استخدام کند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ص ۲). در ادامه همین شماره آورده است که: "حق نگاه‌داشتن قشون را از ایران در سال ۱۳۲۰ از دولت ایران نیز گرفتند که هر وقت دولت ایران خیال داشته باشد یک قشون خیلی کوچکی هم تشکیل دهد آنها اجازه خواهند داد، به شرط آنکه قبلاً با آنها مذاکره و رأی دولتین را در باره کیفیت آن قشون تحصیل کند. دولتین روس و انگلیس دولت ایران را مجبور کردند که مقاوله نامه ۱۳۲۵ دولتین را در خصوص ایران رسماً تصدیق کرده، حتی اظهار داشتند که ایران باید حمایت دولتین را بپذیرد، ایران نپذیرفت، اما محمدولی خان تنکابنی، نصیرالسلطنه، امیر اکرم و سپهدار، سپهسالار- تا در آتیه چه شود- چندی قبل خواست پذیرد، عودت دادن محمدعلی شاه دوباره به ایران و آن انقلاب قهقرائی «در صورتی که به موجب مقاوله

نامه ۱۳۲۷ دولتین روس و انگلیس متعهد شدند جلوگیری از دسایس شاه مخلوع بنمایند. برای بهم‌زدن اصلاحاتی که مستر شوستر در پناه مجلس ملی ایران شروع کرده بود، اول اولتیماتوم «اتمام‌حجت» فرستادند و شوستر و همراهانش را به جبر و عُنف به شکل رقت‌آوری بیرون کردند. مثل آنکه ظاهراً این اقدامات اخیر را رژیم سابق دولت روس می‌کرد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ص ۲).

در ادامه صدمات روسیه چنین بیان شده: "مهاجرت دادن بیشتر از صد هزار نفر به خاک ایران از قبیل استرآباد و آذربایجان و تصرفات مالکانه در آذربایجان و گیلان و مازندران و استرآباد و خراسان، ساختن قلاع و مراکز تلگرافات بی‌سیم و غیره در آذربایجان و گیلان [...] تجاوزات و بی‌احترامی‌های تحمل‌ناکردنی در مشهد [...] ممانعت از تأسیس شعبه‌های قراسوران در ولایات شمالی ایران؛ و سعی و کوشش‌های فوق‌العاده در برهم‌زدن اداره معلمین شجاع فداکار سوئدی." (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲، ص ۳). همچنین روسیه را کشوری می‌داند که به تحریک انگلیس به مداخله و تهدید در ایران می‌پرداخت و معاهده ۱۹۰۷ میلادی را معاهده‌ای می‌داند که انگلیسی‌ها به خاطر عقب‌افتادن "پلٹیکشان در ایران" با کمک نفوذ روسیه به مرحله اجرا گذاشتند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۶، ص ۳-۴).

در ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴، محمدولی خان تنکابنی به سمت ریاست‌وزرا رسید. در دوره وزارت او در ۳۰ رجب ۱۳۳۴ عساکر عثمانی توانستند نیروهای روسی را شکست دهند و کرمانشاه را تصرف کنند. پیشروی عثمانی‌ها باعث شد که روسیه در جهت انعقاد یک پیمان با دولت ایران وارد گفت‌وگو شود (پورآرین، ۱۳۹۸: ۴۴۳-۴۳۹). پیشنهاد روس‌ها شامل اصلاحات امور قشونی و مالی بود و پاسخ به این پیشنهاد توسط سپهسالار اعظم داده شد که روزنامه جنگل به آن بدین‌گونه واکنش نشان داده است که؛ چون سپهسالار این پیشنهاد را متضمن ترقی و تعالی این مملکت می‌دانست، پیشنهاد را قبول کرد (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۶، ص ۵-۴). اما به موجب این پیشنهاد، سند دولتین را در امور مالی ایران بالخاصه به وسیله کمسیون مختلط، حق مداخله [در ایران می‌]بافتند و گفته می‌شد که این قرارداد را تنها رئیس‌الوزرا و وزیر خارجه (صارم‌الدوله) امضاء کرده و سایر وزراء موافق نبوده‌اند (بهار، ۱۳۸۷: ۵۶/۱-۵۵).

با نگاهی کلی می‌توان درک کرد که رفتار روسیه تزاری نسبت به ایران در روزنامه جنگل مورد انتقاد است. این روزنامه روسیه را کشوری متخاصم می‌داند که با همراهی انگلیس معاهده ۱۹۰۷ م. راجع به ایران را امضاء نموده و استقلال ایران را زیر پا گذاشته (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۲، ص ۳) و در ادامه بی‌طرفی ایران را در جنگ جهانی اول نقض کرده و با رفتارهای خود ظلم را در

سراسر مناطق تحت نفوذی که در ایران دارند، اعمال می‌کند و باعث رنجش مردم است. همچنین ظلم را محدود به دوران جنگ نمی‌داند و دولت روس و انگلیس را دو دولتی معرفی می‌کند که با اقدامات خود به مراتب باعث عقب‌ماندگی دولت ایران و رنج مردم ایران می‌شوند و روسیه تزاری تا آخرین لحظات حیات خود باعث رنجش ملت ایران بوده است.

بازتاب اقدامات نظامی و دیپلماتیک روسیه بلشویکی در ایران

با نزدیک شدن به فروپاشی روسیه تزاری، روزنامه جنگل نسبت به روسیه نگاه خوش‌بینانه‌ای دارد (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۴، ص ۳). این روزنامه به تصمیمات کنگره قشونی قفقاز در جهت حسن ارتباط ایران و روس و حق مجاورت طرفین پرداخته است: «اول - همقطاران نظامی ما که موقتاً به‌واسطه ضرورت پلتیکی در یک مملکت بی‌طرف دوست "ایران" داخل شده‌اند، بایستی که به طور مهربانی نسبت به مردم ایران رفتار نموده... دوم - خیلی لازم است که هر چه زودتر هیئت معلمین روس را که در بریگاد قزاق ایران مستخدم‌اند، تجدیدنظر نموده و اشخاصی را که با اوضاع حالیه قابلیت ندارند از کار خارج نموده... سوم - تجدیدنظر در هیئت مأمورین سفارتی و قنسولی و غیره که به حکومت ایران معرفی شده‌اند بشود...» [بلافاصله مأمورینی که به‌واسطه اعمال ارتجاعانه و تجاوزاتی که بر ضد دموکراسی ایران نموده‌اند از کار خلع شوند؛ چهارم - کنگره به عموم مشروطه‌خواهان ایران اعلام می‌دارد همین که ملت روس از موانع حکومت قدیم خلاصی حاصل کردند، باب ارتباط حسنه صمیمانه را با ایران مفتوح خواهد ساخت...] در خاتمه، قشون رولسیون روسیه اطمینان می‌خواهد که ایرانی‌ها هم مانع گردند از طرف قوای خارج بی‌مرام اکراد و الوار سرحدی اقداماتی بر ضد قشون رولسیون روس که موقتاً در ایران به حکم ضرورت پلتیکی هستند، نگردد و در ادامه یادآور می‌شود که دولت جدید روسیه آزادی ملل را اعلام داشته و اولین بار است که آشکارا به قول خود عمل می‌کند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۴، ص ۵-۴).

این روزنامه به نقد روزنامه مشاق^۱ می‌پردازد و می‌خواهد ذهنیتی را ایجاد کند که روسیه بلشویکی قصد کمک به ایران را دارد: «امروز که دست برادری و برابری ملت آزاد روس می‌خواهد به دست ایرانی برسد، چرا باز ملت ایران احمق است؟ امروز که ایرانی به پشتیبانی آزادی‌خواهان روسیه در فکر ترمیم خرابی‌های سابقه است، باز احمق است! دیروز احمق، امروز احمق، ولی فردا نباید احمق شد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۷، ص ۶).

۱. مشاک یا مشاق از روزنامه‌هایی است که با لحن خشن و نامطبوع ارمنی با حیات مسلمانان طرف است (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۷، ص ۵).

در ادامه دیدگاه مثبت روزنامه مطلبی تحت عنوان "بشارت‌های شمال" خبر از آمدن یک صاحب‌منصب به نام گنیاز جُرْجَاوِز^۱ به ملاقات سران هیئت اسلام آمده و پس از گفت‌وگو جنگلی‌ها به او اطمینان داده‌اند که: «همان‌طور که روسیه آزاد مضمم است از این به بعد با ایرانی با اساسی محکم به طور دوستی و اتحاد رفتار کند، ایرانیان، خاصه جمعیت جنگلی و هیئت اتحاد اسلام هم صمیمانه این وِداد و اتحاد شایان تقدیر را استقبال کرده، باکمال توقیر و احترام مقدم ایشان را می‌پذیرند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۹، ص ۱). در ادامه مطب می‌نویسد که یک صاحب‌منصب مقتدر روس به نام فئیدر نیکلاویچ دبروین^۲ به همراهی یک مترجم به نام آقای بیک آقا سلیم‌اف با سران جنگل دیدار کرده و مذاکرات صمیمانه‌ای صورت می‌گیرد، اما در باره مباحث مورد مذاکره مطلبی در روزنامه درج نمی‌شود. با این حال، در این باره نوشته می‌شود: «از ملت آزاد روس به جز برادری و برابری و مُواسات هیچ منتظر نباید بود» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۹، ص ۱-۲).

خیلی زود نگاه مثبت این روزنامه تبدیل به نگاهی منفی شد و در شماره‌ای نوشته می‌شود: «پس از ملاقات نمایندگان هیئت اتحاد اسلام با نمایندگان کمیته کارنیزون و صاحب‌منصب قوشونی دمکراسی روسیه، گنیاز جرجازده در فومن و وعده‌های مساعدتی که داده بودند، درخواست فعلیت نموده، منتظر شدیم که وفا به عهد خود نماید. مع‌التأسف آن همه مواعید صمیمانه انعکاس دیگری پیدا کرد و به جای تقویت و ایفای عهد و تخلیه ایران و غیره: ارومیه آتش گرفت، قزوین یغما رفت، همدان غارت شد، اغلب نقاط ایران به معرض چپاول درآمد، قشون تجددپرو روس که با یک حرارت حیرت‌آور ایرانیان را سرمست باده اخوت نموده بودند، مینای محبت را به سنگ غارتگری و اذیت شکسته، بقیه الباقیه مایلزم زندگانی یک‌مشت پریشان بهت‌زده را تاراج کردند، انجام آزارهای دوره تزاری را در عین اظهار برادری در دفتر بدبختی بیچاره ایرانی ثبت نمودند. بعد از آن همه امیدها، انتظارها، دل‌خوشی‌ها، مصادف با یک دنیا یأس شده، ملتفت شدیم که هر چه به ما گفتند قول بود بدون فعل، در حالی که قول را فعل لازم است» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۱، ص ۱). در ادامه می‌نویسد: «گفتیم قشون آزاد دولت روس برخلاف دیسیپلین نظامی حرکتی کرده یا خودسری نموده‌اند. جاهل و بی‌تربیت در هر قومی وجود دارد، ولی سیاسیون و زمامداران فعلی دولت روس مطابق پرگرام و اعلانات رسمی خود به تمام دنیا، بنیان حکومت روسیه را به مسلک دموکراسی و ترک رویه جهانگیری حکومت سابقه و حمایت اقوام ضعیفه و محافظت ملل مظلومه نهاده، عن‌قربیب به اضافه جبران جنایات دوره تزاری، به سیاهکاری‌های اخیر قشون افسارگسسته خود خاتمه داده، به تخلیه ایران و تحکیم مبانی اخوت و التیام جریحه‌لوب ستمدیدگان ایرانی

¹. Gnyaz Georgeawz

². Fedor Nikolaevich Debruyn

کدورات قلبی همه را مرتفع و جالب احساسات صمیمانه ملت ایرانیه می‌شوند. افسوس، به این آرزوها نایل نگردیدیم» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۱، ص ۲-۱).

در ادامه، در باره ملاقات اخیر صاحب‌منصبان روس سخن به میان می‌آید و این اتفاق را دوستی و اخوتی می‌داند که روسیه با اعزام قشون به ایران آن را نقض کرده و فریاد مظلومیت ولایات ایران درآورده و از روسیه خواستار این است که آلت اجرای انگلیس نشود و ایران را از قشون خود تخلیه کند و خرابی‌هایی که قدیماً و جدیداً از قشون روسیه به ایران وارد شده را ترمیم کنند و ابطال آن چیزهایی که ماحی استقلال ایران است. واضح‌تر بگوییم: دموکراسی روسیه اگر در این خیال باشد که بعد از موفقیت به اصلاحات داخلی خود و ختام حریق عالم‌سوز جنگ بین‌المللی به ما بپردازد، دیگر ایرانی باقی نمی‌ماند و هر مقداری هم که باقی ماند، با بساطی که انگلیس در ایران چیده، باید به بقیه نیز فاتحه بخوانیم (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۱، ص ۴-۳-۲). همچنین در شماره پانزدهم تحت عنوان: "ما چه می‌گوئیم؟ روسکُو واسلو چه می‌گوید؟" نوشته شده: «ما می‌گوئیم دولت مستبده روسیه به تحریک انگلیس غدار ایران را اشغال نظامی کرده، ایرانیان را اسیر تجاوز خود نموده، حکومت فعلی روس باید گذشته‌ها را جبران کرده، در آتیه مودت و اخوت ابراز نماید» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۵، ص ۲).

پس از چندین شماره دوباره با یک ملاقات، رویکرد روزنامه به دولت روسیه مثبت می‌شود. در شماره هفدهم از ملاقات ریاست قشون دولت دموکراسی روسیه مقیم گیلان با میرزا کوچک خان و حاجی احمد آقا خبر می‌دهد و دیدگاهی مثبت به این ملاقات را بیان می‌کند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۷، ص ۲). در شماره بعدی تحت عنوان "افساد قنصل انگلیس در رشت" به سیاست‌های انگلیس در ایران نقد دارد و می‌نویسد انگلیسی‌ها اظهار نموده‌اند که «اگر ما بودیم قشون خود را خارج نمی‌کردیم» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۸، ص ۱) و انگلیس را یک کشور استعمارگر می‌داند که «موجودیت تمام نژادهای مختلفه عالم را که متمایز با جنس آنها هستند، برای استخدام و استفاده نوع خود می‌دانند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۸، ص ۱) که روسیه را همواره تحریک و بانی تقسیم و تجزیه ایران نشان می‌دهد. اما اینک روس تغییر رویه داده، «دولت روس یا برای سرگرمی خود به اروپا یا به جهاتی دیگر، تقریباً تمایلی به راحت و آسایش ایرانیان و تخلیه ایران از قشون خود پیدا نموده، ولی تحریک انگلیس مکار، به علاوه اینکه نگذاشت ایران را به حال خود بگذارد و بی‌طرفی او را محترم شمارد، مجدداً روسیه را وادار به سوق قشون در ایران نمود» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۸، ص ۲-۱). اما ملت نجیب روسیه که خود در ظلم بوده با آغوش باز ملت

ستم‌دیده ایران را به برادری دعوت کرده و دیگر به زمزمه‌های مزورانه انگلیس گوش نمی‌دهد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۱۸، ص ۳). همچنین دولت ایران را به جهت تأخیر انداختن در تبریک به کابینه لنین^۱ مورد مؤاخذه قرار داده و در این باره نوشته‌اند: «اگر خود روس‌ها به رفتن راضی باشند، بزرگان وطن رضایت نخواهند داد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۲، ص ۸).

در دوم دسامبر ۱۹۱۷، دولت شوروی پیامی خطاب به مسلمانان روسیه و شرق صادر کرد و همهٔ قراردادهای محرمانه به‌ویژه قرارداد ۱۹۰۷ م. روس و انگلیس که در آن ایران را تقسیم کرده بودند، باطل اعلام نمود (شاگری، ۱۴۰۲: ۱۸۴-۱۸۳). گرچه روزنامه جنگل به آن واکنش نشان نداد، اما در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۱۸ که تروتسکی اعلام کرد نیروهای روسیه در کوتاه‌ترین زمان ممکن از ایران خارج خواهند شد (شاگری، ۱۴۰۲: ۱۸۵)، به این واقعه واکنش نشان داد و نوشت: «صمیمیتی را که به انتظار بروز آن روز می‌گذرانیدیم، عهدی را که با بی‌صبری منتظر وفای آن بودیم، امیدهایی را که از دولت دیموکراسی روس در اظهار مودتش داشتیم اینک خوش‌بختانه می‌خواهد آشکار گردیده، وجود خارجی پیدا نماید و ما را مطمئن کند که موافق زمامداران فعلی و کارکنان دیموکراسی مسلک دولت روسیه قابل اعتماد و محل اطمینان است. در عالم حقیقت‌طلبی نمی‌توانیم حقایق را پرده‌پوشی کرده، از قدرشناسی اغماض و خودداری نموده، از فرقه فعال انسانیت‌دوست بالشویک اظهار خوش‌وقتی ننمائیم» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۳، ص ۱).

در شماره بیست و چهارم این روزنامه به خلع نیکلای^۲ امپراتور مستبد روس و به تغییر سیاست روسیه اشاره می‌کند و در ادامه می‌نویسد: «روسیه مستبده طمعکار رفت، روسیه بی‌آزار روی کار آمد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۴، ص ۳-۴).

در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ م. تروتسکی خبر داد که شورای کمیساریا خلق‌ها، قرارداد ۱۹۰۷ م. انگلیس-روسیه را یکبار برای همیشه باطل اعلام کرد. همچنین همه قراردادهای قدیم و جدید را که از هر نظر حق مردم ایران را محدود یا مختل می‌کرد، باطل کرد (شاگری، ۱۴۰۲: ۱۸۶). روزنامه جنگل در شماره‌های مختلف خود به این خبر واکنشی نشان نداده است.

وقتی که مسیو براوین^۳ از طرف از طرف لنین با مواعیدی دوستانه به‌عنوان جایگزین وزیرمختار روسیه تزاری وارد تهران شد (بهار، ۱۳۸۷: ۶۱/۱)، سفیر روسیه تزاری حاضر نشد سفارتخانه را به او تحویل دهد و دولت ایران هم از شناسایی او سر باز زد (فخرائی، ۱۳۵۷: ۱۰۹). روزنامه جنگل که

1. Lenin

2. Nicholas

3. Monsieur Brovin

در سرتاسر شماره بیست و ششم به نقد دولت انگلیس پرداخته بود، در این باره نوشته: «برای اینکه انگلیس مایل نیست و سفیر بالشویک برای الغاء معاهدات و نسخ امتیازات میثومه آمده و این هم منافی با سیادت بزرگان امروزه مملکت است، اگر دولت انگلیس مایل به استقرار مسیو براوین بود بلاشبهه تاکنون به رسمیت شناخته می‌شد» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۶، ص ۵). در ادامه از کابینه دولت می‌خواهد که مسیو براوین را به رسمیت شناخته و «بیش از این خواهشات ایران خراب کن دولت انگلیس را رعایت نمایند و به این مسئله اساس بی‌طرفی ما را متزلزل نکنند، زیرا نپذیرفتن سفیر بالشویک دلیل تجاوز صرف انگلیس و این هم منافی بی‌طرفی ایران است» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۶، ص ۵). در شماره بیست و هشتم این روزنامه به دولت پیشنهاد داده تا رسمیت مسیو براوین را امضاء نمایند (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۸، ص ۸).

در شماره بیست و نهم روزنامه جنگل تحت عنوان: "چرندوپرند" در باره علت نپذیرفتن مسیو براوین نوشته: «یکی از شرایط نجابت پس نگرفتن عطایا است، چنان‌که همسایه شمال آنچه را که به عنوان هدیه و عطایا از اولیای ماضیه اراک گرفته بود حالیه می‌خواهند رد کنند، دولت علیه ایران قبول نمی‌کند، زیرا برخلاف شرایط نجابت است. اگر مسیو براوین را به رسمیت می‌شناختند و امتیازات خانه‌برانداز سابقه را مصرأ لغو می‌کردند، مسلماً الغاء امتیازات در حکم پس گرفتن عطایا است. این هم بر اساس نجابت ایرانیان نجیب سکتیه وارد می‌کرد و آن وقت نمی‌توانیم خود را ملت نجیب شش هزار ساله معرفی کنیم!!!» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۲۹، ص ۸). در شماره بعدی تحت عنوان "این چه بدبختی است"، به سیاست‌ها و سختی‌های گذشته مردم که توسط روسیه مستبده به ایران وارد شده، اشاره می‌کند و معتقد است که دگر قشون عثمانی و استیلای روس در ایران نیست و تنها دولت متحارب انگلیس است که بی‌طرفی و استقلال ایران را رعایت نمی‌کند. همچنین در نقد نپذیرفتن مسیو براوین نوشته: «مسیو براوین سفیر دولت بالشویک مدت‌ها است در طهران متوقف و رسماً اخطار کرد که حاضریم برای الغای امتیازات قدیمه و ابطال عهود سابقه و عقد معاهدات جدیده داخل مذاکره شوم، نه او را پذیرفتند و نه در صدد برآمدند که بفهمند مقصودش چیست و چه می‌گوید. وجودش آیا مضر است یا نافع، بیاناتش قابل استماع است یا رد کردنی است؟ دولت قدیمه روس منهدم شد، اما به ابهت سابقه سفیرش می‌افزایند. اصل از میان رفته، به فرع او متمسک شده‌اند و به افتخار رژیم پوسیده نیکلا دودستی به قزاقخانه ایران کناره کرده می‌خواهند قزاقخانه را تحویل بدهند، اولیای امور قبول نمی‌کنند و قول او را خلاف وفاداری، نجابت می‌دانند» (روزنامه جنگل، س ۱، ش ۳۰، ص ۱-۲).

اولین شماره سال دوم در دوشنبه ۲۷ شوال سال ۱۳۳۶ به چاپ رسید. اطلاعات سال دوم بیشتر حول محور حوادث سیاسی جنگل است و دوره سوم این روزنامه اولین بار در ۱۴ شوال ۱۳۳۸ منتشر شد. این روزنامه در دوره جدید به مدیریت دهقان، خود را ناشر افکار کمیته انقلاب سرخ و ارگان حکومت جمهوری شوروی ایران معرفی می‌کند (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۱). در شماره جدید کمافی‌السابق سیاست‌های انگلیس و روسیه تزاری مورد نقد قرار می‌گیرد (روزنامه جنگل، س ۴، ش ۱، ص ۲؛ همان، س ۴، ش ۴، ص ۱)، همچنین این روزنامه روح مبارزه با سرمایه‌داری انگلیس دارد و تغییر ایدئولوژی که داده، در سراسر سال چهارم مشهود است.

نتیجه‌گیری

هر جنبش، قیام، نهضت و انقلاب برای نشر افکار خود نیاز به ارگان خبری و فکری دارد تا بتواند افکار، اندیشه‌ها و برنامه‌های خود را برای مخاطبانش اعم از موافق یا مخالف بیان کند. روزنامه جنگل تربیون رسمی نهضت جنگل بود و از منابع اصلی شناخت افکار سردمداران جنبش جنگل و هیئت اتحاد اسلام به‌شمار می‌رفت. این روزنامه که در اکثر شماره‌ها، خود را نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان معرفی می‌کند؛ در شماره‌های مختلف به سیاست‌های دول خارجی پرداخته است. روزنامه جنگل در زمان قاجار انتشار می‌یافت و ما در این دوره شاهد حوادث سیاسی بسیاری هستیم؛ حادثی که آکنده از عوامل داخلی و خارجی بود. روسیه تزاری و انگلیس دو کشور متجاوز و استعمارگر بودند که به صورت مداوم در حوادث داخلی ایران در زمان قاجار دخالت می‌کردند. یکی از موضوعاتی که روزنامه جنگل به آن پرداخته، بازتاب حضور روسیه در سیاست ایران است. این روزنامه بازتاب حضور روسیه را به دو دوره روسیه تزاری و روسیه بلشویکی تقسیم می‌کند و معتقد است که روسیه تزاری یک دولت مستبد است که به تحریک انگلیس باعث رنجش مردم و پایمال کردن حکومت ایران بوده است. همچنین این روزنامه از سقوط روسیه تزاری شادمان است و از روسیه بلشویکی خواستار این است که آلت اجرای انگلیس نشود. روزنامه جنگل نسبت به روی کار آمدن روسیه بلشویکی رویکردی مثبت دارد و از دولت ایران خواستار است که سیاستی مناسب در زمینه روابط با روسیه داشته باشد. افزون بر آن معتقد است که روسیه بلشویکی برخلاف روسیه تزاری به دنبال ستم نیست و دموکراسی که روسیه پیدا کرده و اقدامات آنها در جهت باطل کردن قراردادهای ظالمانه گذشته باعث جبران گذشته خصمانه روسیه تزاری است. در

یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که هر گاه در هر شماره‌ای از روزنامه، نامی از روسیه تزاری و اقدامات و سیاست‌های او آمده، همراه با نگاه انتقادی بوده است. اما نگاه روزنامه به سیاست‌های روسیه بلشویکی دوگانه است: گاهی دیدگاه مثبت و گاهی دیدگاه منفی دارد. با این حال، دیدگاه مثبت آن درصد بسیار بالاتری دارد. به بیان دیگر، نگاه این روزنامه به سیاست‌های روسیه در دوره تزاری به صورت قاطعانه منفی است. اما با فروپاشی رژیم تزاری و روی کار آمدن روسیه بلشویکی، این روزنامه رویکردی مثبت به روسیه بلشویکی پیدا کرد و با تغییر فضا به سمت انقلاب سرخ، این روزنامه نیز جهت‌گیری خود را به سمت آنها مایل کرد.



تصویر ۱- شماره اول از سال اول روزنامه جنگل

منبع: سایت سنا (سامانه نشریات ایران)



تصویر ۲- شماره اول از سال چهارم روزنامه جنگل

منبع: برگرفته از کتاب روزنامه جنگل به کوشش: هادی میرزائزاد موحد، ۱۳۹۶: ۵۴۵

منابع و مآخذ

کتابها و مقالات:

- آبراهامیان، پروانه، ۱۴۰۱، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون، ۱۳۶۲، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- اسمعیل، دهقان، ۱۳۳۰، دیوان مرحوم اسمعیل دهقان، گردآورنده فریدون دهقان، رشت، چاپ زربافی.
- بهار، محمدتقی، ۱۳۸۷، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ۲ جلد در یک مجلد، تهران: زوآر.
- پورآرین، فؤاد، ۱۳۹۸، انقلاب فراموش شده، تهران: چاپار.
- جکتاجی، م. پ، ۱۳۷۱، گیلان نامه (مجموعه مقالات گیلان شناسی)، ج ۳، رشت: طاعتی.
- رابینو، ه. ل، ۱۳۷۳، صورت جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران به زبان فارسی طبع شده است، به تصحیح و حواشی: سید فرید قاسمی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- سرتیپ پور، جهانگیر، ۱۳۷۰، نام‌ها و نامدارهای گیلان، رشت: گیلکان.

سهیل نقشی، محمدجواد، ۱۳۸۱، چاپ و مطبوعات در گیلان از مشروطه تا امروز، رشت: شهر باران.
شاکری، خسرو، ۱۴۰۲، میلاد زخم جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، ترجمه:
شهریار خواجهیان، تهران: اختران.

شیرازی، میرزا صالح، ۱۳۴۷، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، با مطالعه و مقدمه: اسماعیل رائین، تهران:
نشر روزن.

صدرهاشمی، محمد، ۱۳۶۳، تاریخ جرائد و مجلات ایرانی، ج. ۱، اصفهان: انتشارات کمال.

-----، ۱۳۶۳، تاریخ جرائد و مجلات ایرانی، ج. ۲، اصفهان: انتشارات کمال.

عظیمی، ناصر، ۱۳۹۶، تاریخ گیلان از ورود شاه عباس اول به گیلان تا پایان انقلاب جنگل، رشت:
فرهنگ ایلیا.

عظیمی دوبخشری، ناصر، ۱۳۹۹، جنبشی که به انقلاب تبدیل شد از مبارزه علیه اشغالگری تا تأسیس
جمهوری در گیلان، رشت: سپیدرود.

فخرائی، ابراهیم، ۱۳۵۷، سردار جنگل، تهران: انتشارات جاویدان.

-----، ۱۳۷۱، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

قاسمی، سید فرید، ۱۳۷۲، راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
کریم حدیثی، علی، «استقلال و هویت ملی در تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان جنبش میرزا
کوچک خان»، فصلنامه مطالعات ملی، پائیز ۱۳۹۳، س ۱۵، ش ۳، صص ۲۰۵-۱۷۹.

کسمایی، احمد، ۱۳۸۳، یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل، گردآوری، تصحیح و تحشیه:
منوچهر هدایتی خوش کلام، رشت: کتیبه گیل.

کسمائی، ابوالقاسم، ۱۳۸۵، خاطرات ابوالقاسم کسمائی، به کوشش: ایرج افشار، تهران: نشر قطره.

کنارودی، قربانعلی، «روزنامه جنگل و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه جنگل در
سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ش»، فصلنامه علوم خبری، پائیز ۱۴۰۱، س ۱۱، ش ۴۳، صص ۸۲-۵۷.

کوچکپور، صادق، ۱۳۶۹، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی-اجتماعی گیلان و قزوین، به کوشش: سید
محمدتقی میرابوالقاسمی، رشت: گیلکان.

گیلک، محمدعلی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب جنگل، رشت: نشر گیلکان.

متولی، عبدالله، ۱۳۹۰، «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل»، فصلنامه جستارهای تاریخی،
پائیز و زمستان ۱۳۹۰، س ۲، ش ۲، صص ۱۱۵-۹۵.

میرزانژاد موحد، هادی، ۱۳۹۶، روزنامه جنگل سال ۱ تا ۴، رشت: فرهنگ ایلیا.

نظری مقدم، جواد و مسلم نادعلی‌زاده، «بازتاب مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل»،
فصلنامه نامه فرهنگستان، بهمن و اسفند ۱۴۰۳، س ۲۳، ش ۶، صص ۱۱۹-۱۰۲.

نوزاد، فریدون، ۱۳۷۹، تاریخ جراید و مجلات گیلان از آغاز تا انقلاب اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۴۰۲، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم
جهانی، تهران: امیرکبیر.

یوسفدهی، هومن، ۱۳۹۲، رجال مشروطه گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا.

نشریات:

- روزنامه جنگل، سال اول، شماره اول، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره دوم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره سوم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره چهارم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره پنجم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره ششم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره هفتم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره نهم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره یازدهم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره سیزدهم، ۱۳۳۵ق.
-----، شماره چهاردهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره پانزدهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره شانزدهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره هفدهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره هجدهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و دو، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و سوم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و چهارم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و ششم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و هشتم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره بیست و نهم، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره سی ام، ۱۳۳۶ق.
-----، شماره سی و یک، ۱۳۳۶ق.
روزنامه جنگل، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۳۷ق.
روزنامه جنگل، سال چهارم، شماره یکم، ۱۳۳۸ق.
-----، شماره چهارم، ۱۳۳۸ق.
-----، شماره پنجم، ۱۳۳۸ق.

تصاویر:

سایت سنا (سامانه نشریات ایران).

<https://sana.nlai.ir/handle/123456789/54948>

کتاب روزنامه جنگل سال ۱ تا ۴، به کوشش هادی میرزائزاد موحد، ص ۵۴۵.